

## مکتب و شیوه جغرافی‌نگاری ابن فقیه همدانی در کتاب البلدان<sup>۱</sup>

مهدی علیجانی

دانشجوی دکتری ایران‌شناسی، بنیاد ایران‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

محبوبه شرفی<sup>۲</sup>

دانشیار گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی، واحد یادگار امام(ره)، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

### چکیده

هم‌زمان با تألیف آثار متعدد در رشته جغرافیای توصیفی در قرن سوم هجری، کتاب البلدان نوشته ابن فقیه همدانی نیز در اواخر این قرن نگاشته شد. ابن فقیه بر اساس تقسیم مکاتب جغرافی‌نگاری اسلامی، پیرو مکتب عراقی است. وی در اثرش مکه را مرکز جهان دانسته و کتابش را با شرح این شهر آغاز کرده است. توجه به شیوه جغرافی‌نگاری اقلیم یونانی و ایرانی در عین نگارش کتاب بر مبنای نواحی، نیاوردن نقشه، عجایب‌نگاری فراوان و پرهیز از خردگرایی و نیز پررنگ‌بودن مایه‌های هویت‌گرایانه میهنی از ویژگی‌های جغرافی‌نگاری اوست. از نظر نوع‌شناسی نیز کتاب البلدان به جغرافیای اقتصادی و انسانی نزدیک‌تر است. اهمیت دیگر اثر، کمک به گره‌گشایی از بعضی مفاهیم تاریخی و فرهنگی ایران است. همچنین به علت فقدان سفر و مشاهدات میدانی، ابن فقیه از نظر منابع اطلاعاتی، بیشتر متکی بر منابع مکتوب و شنیداری است. این پژوهش تلاش دارد با روش تاریخی و رویکرد توصیفی - تحلیلی، مکتب روشی و شیوه جغرافی‌نگاری وی را واکاوی و تحلیل کند.

**کلیدواژه‌ها:** ابن فقیه، جغرافی‌نگاری اسلامی، کتاب البلدان.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۲۵

۲. رایانامه (مسئول مکاتبات): sharafi48@yahoo.com

### مقدمه

جغرافیا از علومی است که مسلمانان با اقتباس از هندیان، ایرانیان و به‌ویژه یونانیان از اوایل قرن سوم هجری قمری به آن، روی آوردند و به تدریج در این رشته به پیشرفت‌های بزرگی رسیدند، به حدی که اطلاعات جغرافیایی آنان از قلمرو اسلامی فراتر رفت و سرزمین‌های غیراسلامی را نیز دربر گرفت. در حالی که یونانیان در این علم، برخلاف مسلمانان از شرق دریای خزر اطلاع چندانی نداشتند، مسلمانان توانستند سواحل آسیا تا کره شمالی و احتمالاً ژاپن را هم بشناسند.<sup>۳</sup>

دوره مأمون (حک ۱۹۸-۲۱۸هـ)، اوج توجه مسلمین به جغرافیای نجومی و ریاضی بود که با ترجمه آثار بطلمیوس مانند الجغرافیا و المَجسطی به زبان عربی آغاز شد و تأثیر عمیقی بر مسلمانان در زمینه این دانش برجای نهاد. در پی آن، در سده‌های سوم و چهارم در رشته جغرافیای توصیفی نیز که به وصف پدیده‌های جغرافیایی، شهرها و راه‌ها اختصاص داشت، آثار چندی پدید آمد که از جمله آن‌ها می‌توان به کتاب جغرافی‌دان ایرانی، ابن فقیه همدانی یعنی کتاب البلدان اشاره کرد.

نسخه خطی کتاب البلدان در اصل، پنج جلد بود و حدود ۲۰۰۰ صفحه داشت، ولی فقط «مختصر» آن که به دست علی شیزری در سال ۴۱۳ هـ فراهم شده، برجای مانده است.<sup>۴</sup> از این مختصر نیز سه نسخه به دست ما رسیده که در آن‌ها بسیاری از مطالب نسخه اصل حذف شده است. یکی از این سه نسخه با عنوان مختصر کتاب البلدان، به کوشش دخویه<sup>۵</sup> در ۱۸۸۵م در «مجموعه کتابخانه جغرافیایی عربی» در لیدن<sup>۶</sup> هلند انتشار یافت که به نسخه «بریل»<sup>۷</sup> مشهور است. نسخه دیگر این کتاب متعلق به موزه بریتانیا است. نسخه سوم

۳. کراچکوفسکی، ۹.

۴. همو، ۱۲۸.

5. Michael Jan de Goeje

6. Leiden

7. Brill

دیرتر از بقیه شناسایی شد؛ بدین قرار که در بهار ۱۹۲۳م، زکی ولید طوغان، از دانشمندان ترکستان روس، در کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد به نسخه‌ای خطی از ابن‌فقیه برخورد که رساله ابودلف و سفرنامه ابن‌فضلان نیز ضمیمه آن بود. وی اعلام کرد کتابی که دخویه با عنوان مختصر کتاب البلدان طبع و نشر کرده، خلاصه همین کتاب است. ضمن مقایسه نسخه طبع دخویه با نسخه خطی آستان قدس به سهولت می‌توان دریافت که این دو نسخه مکمل یکدیگرند. به گفته طوغان، دوسوم از ابواب نسخه طبع دخویه در نسخه مشهد نیست؛ در مقابل، باب‌های ۳ تا ۱۰، ۱۵ و ۲۴ تا ۲۸ نسخه آستان قدس نیز در نسخه چاپ دخویه وجود ندارد. شماره صفحات نسخه آستان قدس نیز ۳۴۷ و نسخه چاپ دخویه، ۳۳۰ است.<sup>۸</sup> برخی نیز معتقدند نسخه آستان قدس با نسخه چاپی دخویه تا حد زیادی هم‌سان است ولی نسبت به آن مفصل‌تر و بیشتر است. این نسخه افزوده‌ها و افتادگی‌هایی دارد و محتمل است که اختصاری از اصل کتاب پنج‌جلدی کتاب البلدان باشد.<sup>۹</sup>

در ۱۳۴۹ش بخش مربوط به ایران از کتاب مختصر کتاب البلدان دخویه، به قلم محمدرضا حکیمی همراه با مقدمه مفصل، توضیحات و تعلیقات به فارسی برگردانده شد و در سال ۱۳۷۴/هـ/۱۴۱۶ش نیز یوسف الهادی، پژوهشگر عراقی، نسخه آستان قدس را با مقدمه و تعلیقاتی منتشر کرد. در پژوهش پیش رو، بنابر ضرورت از تصحیح یوسف الهادی و نیز از ترجمه حکیمی که او آن را با نسخه عکسی مشهد تطبیق داده، استفاده شده است. صاحب‌نظران آثار جغرافیایی تألیف‌شده در قرن‌های سوم و چهارم هجری را ذیل دو مکتب تقسیم‌بندی کرده‌اند:

۱. مکتب عراقی، که به جغرافیای تمام جهان مربوط است، ولی درباره سرزمین‌های اسلامی با تفصیل بیشتری بحث می‌کند. این مکتب خود شامل دو دسته است: نخست جغرافی‌دانانی که مطالبشان را به ترتیب جهات چهارگانه تدوین کرده و بغداد را مرکز جهان

۸. رضا، ۴۰۸-۴۱۲.

۹. اذکالی، ۲۸-۳۰.

دانسته‌اند؛ دوم کسانی که مطالب خود را براساس اقلیم یا نواحی، تبیین کرده و اغلب، مکه را مرکز جهان در نظر گرفته‌اند.

۲. مکتب بلخی، که پیروان آن عمدتاً به جغرافیای سرزمین‌های اسلامی پرداخته و هر ناحیه از آن را اقلیم جداگانه‌ای شمرده و جز درباره نواحی مرزی، کمتر به سرزمین‌های غیراسلامی توجه کرده‌اند.<sup>۱۰</sup>

در بررسی سابقه پژوهش، علاوه بر «کراچکوفسکی» که در تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلام به صورت بسیار مختصر، این اثر را بررسی کرده<sup>۱۱</sup> و مقاله کوتاه عنایت الله رضا در دایرة المعارف بزرگ اسلامی که شامل زندگی‌نامه و آثار ابن‌فقیه است؛ محمدجعفر اشکواری در مقاله‌ای با عنوان «عجایب‌نگاری ابن‌فقیه در کتاب البلدان»<sup>۱۲</sup> به عجایب‌نگاری وی پرداخته‌است. شهرام جلیلیان نیز در مقاله «پژواکی از سنگ‌نوشته‌های داریوش بزرگ در اخبار کتاب البلدان ابن‌فقیه همدانی»<sup>۱۳</sup> از دیدگاه تاریخی و باستان‌شناسی به بررسی متنی پرداخته که ابن‌فقیه آن را ترجمه کتیبه‌های گنجنامه همدان دانسته‌است.

علی‌اصغر هدایتی و صالح پرگاری هم در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی روش جغرافیایی ابن‌رسته در مقایسه با دیگر جغرافی دانان مکتب عراقی»<sup>۱۴</sup>، بر روش جغرافیایی ابن‌رسته، تمرکز و آن را با روش سه جغرافی دان دیگر از جمله ابن‌فقیه مقایسه کرده‌اند که به صورت مختصر، به روش ابن‌فقیه نیز اشاراتی دارد.

در این پژوهش، با تمرکز بر جغرافی‌نگاری ابن‌فقیه در کتاب البلدان و با تعریف شاخص‌هایی براساس «ارکان اصلی» متون جغرافیایی، تلاش می‌شود با استفاده از روش تاریخی و رویکرد توصیفی - تحلیلی، الگوی جغرافی‌نگاری و مکتب روشی مؤلف روشن

10. Ahmad, S. M., & Taeschner, 579-582.

۱۱. کراچکوفسکی، ۱۲۸-۱۲۹.

۱۲. فصلنامه تاریخ اسلام، دوره ۱۴، شماره ۴ (مسلسل ۵۶)، زمستان ۱۳۹۲ ش.

۱۳. دو فصلنامه پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، شماره ۱۸، بهار و تابستان ۱۳۹۵ ش.

۱۴. نشریه پژوهش‌های تاریخی، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۷ ش.

شود. این شاخص‌ها شامل نوع‌شناسی، شیوه جغرافی‌نگاری و ویژگی‌های آن، مانند بهره‌گیری از نقشه، خردگرایی یا دوری از آن، توجه به هویت میهنی یا دینی، دخالت دادن یا ندادن نگرش دینی در تألیف اثر و جز این‌هاست.

### ۱. نظری بر زندگی ابن‌فقیه و کتاب او

ابوبکر احمدبن محمدبن اسحاق، معروف به ابن‌فقیه همدانی (ح ۲۵۵-۳۳۰ یا ۳۴۰هـ)، جغرافی‌نویس قرن سوم و چهارم هجری است. درباره همدانی بودن وی، سند روشنی نداریم؛ نیز وجود جغرافی‌دان دیگری به نام ابومحمد حسن‌بن احمدبن یعقوب همدانی معروف به ابن‌حائک، که از قبیله «همدان» از قبایل معروف عرب است، موجب شده گاهی ابن‌فقیه به این قبیله منسوب شود. باین حال، از شرح مفصل وی در خصوص همدان و نیز مطالب مربوط به وطن دوستی در این بخش، می‌توان استنباط کرد که او و نیاکانش به احتمال زیاد از مردمان این شهر بوده‌اند؛ اما خود ابن‌فقیه قطعاً در بغداد زندگی می‌کرده‌است.<sup>۱۵</sup> درباره سال، مکان دقیق ولادت، درگذشت و نیز شرح زندگانی او نیز اطلاعی در دست نیست. تنها ابن‌ندیم او را در زمره ادیبان آورده که علاوه بر کتاب البلدان، کتاب دیگری با عنوان ذکر الشعراء المحدثین و البلغاء منهم و المّفحّمین داشته‌است.<sup>۱۶</sup>

ابن‌ندیم در توضیح مختصری از کتاب البلدان آن را دارای حدود ۱۰۰۰ ورق دانسته و نوشته که این اثر برگرفته از تألیفات دیگران به‌ویژه جیهانی<sup>۱۷</sup> است.<sup>۱۸</sup> امروزه اغلب محققان،

### 15. Khalidov, 23.

برای اطلاع بیشتر از نظر پژوهشگران دیگر که نسب وی را ایرانی می‌دانند نک. کراچکوفسکی، ۱۲۸؛ سارتون، ۶۲۴/۱.

۱۶. ابن‌ندیم، ۲۵۳.

۱۷. احمدبن محمدبن محمدبن احمدبن نصر جیهانی که حدود ۳۶۵هـ به وزارت سامانیان منصوب و در ۳۶۷هـ معزول شد. وی کتابی جغرافیایی با نام مسالک و ممالک نوشته که هم اکنون در دست نیست.

۱۸. ابن‌ندیم، ۲۵۳.

این ادعا را رد کرده‌اند؛ از جمله کراچکوفسکی می‌نویسد: «در استفاده ابن‌فقیه از آثار دیگران جای تردید نیست؛ اما وی نمی‌توانسته از کتاب جیهانی بهره گرفته باشد، چون کتاب خود را پیش از جیهانی نوشته بوده است.<sup>۱۹</sup> قزوینی نیز معتقد است با توجه به این‌که تألیف کتاب جیهانی حداقل بیست تا سی سال پس از سال ۲۹۰ هجری بوده، ابن‌فقیه نمی‌توانسته از کتاب او اقتباس کرده باشد.<sup>۲۰</sup> برخی نیز احتمال داده‌اند که شاید موضوع برعکس بوده و جیهانی کتاب ابن‌فقیه را در مجموعه جغرافیایی هفت‌جلدی خود گنجانیده باشد.<sup>۲۱</sup>

درباره تاریخ تألیف کتاب نیز کراچکوفسکی آن را سال ۲۹۰ هجری می‌داند<sup>۲۲</sup> که قابل قبول است، چه خود ابن‌فقیه از وقایع خلافت معتضد (حک ۲۷۹-۲۸۹ هجری) یاد کرده و او را «خلیفتنا» نامیده است.<sup>۲۳</sup> با آن‌که، دو بار از مکتفی (حک ۲۸۹-۲۹۵ هجری) ذکری به میان آورده،<sup>۲۴</sup> به‌عنوان خلیفه از او یاد نکرده است. بنابراین معلوم می‌شود هنگام نگارش کتاب یا مکتفی هنوز به خلافت نرسیده بوده یا ابن‌فقیه، از آن آگاهی نداشته است.

از میان جغرافی‌دانان سده‌های بعد، مقدسی در قرن چهارم کتاب البلدان را در پنج مجلد دانسته و ارجاعات محدودی به آن داده است، ولی از روش وی به‌علت آن‌که جغرافی‌نگاری صرف نیست، انتقاد می‌کند که «ابن‌فقیه در آن کتاب به راهی دیگر رفته، جز شهرهای بزرگ را یاد نکرده است، روستاها و بخش‌ها را مرتب نکرده، چیزهایی که شایسته نیست، آورده است. گاهی از دنیا پرهیز می‌دهد و گاه بدان می‌خواند، گاه می‌گریاند و گاه بازی می‌دهد و می‌خنداند. او حشو و زوایدی نیز در آن آورده می‌گوید: آن‌ها را برای خستگی‌زدایی از خوانندگان آورده‌ام. گاهی که من در کتاب ابن‌فقیه می‌نگرم، چنان در

۱۹. کراچکوفسکی، ۱۲۸.

۲۰. قزوینی، ۱۲۲/۶.

21. Khalidov, 24.

۲۲. کراچکوفسکی، ۱۲۸.

۲۳. ابن‌فقیه، کتاب البلدان، ۱۱۱.

۲۴. همان، ۴۹۹، ۵۳۹.

داستان‌هایش گم می‌شوم که فراموش می‌کنم گفت‌وگو درباره کدامین شهر است».<sup>۲۵</sup> همچنین کتاب البلدان را مقتبس از کتاب جاحظ<sup>۲۶</sup> (۱۶۳-۲۵۵هـ) و زیج اعظم می‌داند و آن را «تصنیف» به معنای «گردآوری» لقب می‌دهد<sup>۲۷</sup> که به معنای تحقیر کتاب اوست. در واقع، اگر کتاب ابن‌فقیه را از روی مختصر آن قضاوت کنیم، تألیفی جغرافیایی به معنای دقیق کلمه نیست، بلکه مجموعه‌ای ادبی درباره سرزمین‌های اسلامی است که با شعر و قصه فراوانی همراه است و به قول کراچکوفسکی «نخبه‌ای از لطایف ادبی» است که برای خوانندگان عادی فراهم آمده و با جغرافیا و نام‌های جغرافیایی ارتباط نزدیک ندارد.<sup>۲۸</sup> برای مثال، زمانی که چشمه‌های همدان را به‌عنوان پدیده‌ای جغرافیایی وصف می‌کند، فارغ از وصف مسائل جغرافیایی به سه موضوع اشاره دارد: ۱. شرحی در ستایش آب سرد ۲. هم‌نوایی میان دو تن به نام‌های عبدالقاهر و حسین بن ابی‌سرح در ستایش همدان و عراق و

۲۵. مقدسی، ۷.

۲۶. مقدسی اشاره واضحی به این‌که ابن‌فقیه از کدام کتاب جاحظ اقتباس کرده، نمی‌کند اما با توجه به تألیفات بسیار جاحظ، به‌نظر می‌رسد این کتاب بایست در زمینه جغرافیا بوده باشد. کراچکوفسکی معتقد است: «کتاب جغرافیای جاحظ هنوز به‌دست نیامده و درباره آن جز به‌وسیله منقولات دیگران، قضاوت نمی‌توان کرد، به‌علاوه، عنوان آن دقیقاً معلوم نیست و شاید عنوان کتاب الامصار و عجائب البلدان که مسعودی آورده، از همه به صحت نزدیک‌تر است. در این مورد گاه به نام کتاب البلدان و کتاب الامصار نیز برمی‌خوریم، اما قسمتی که در یکی از متون خطی موزه بریتانیا هست، عنوان کتاب الاوطان و البلدان دارد و این چندان به واقع نزدیک نیست» (کراچکوفسکی، ۱۰۱) ز بدین ترتیب شاهد نوعی آشفتگی در نام کتاب جغرافیایی جاحظ‌ایم. همچنین در قرن بیستم میلادی، حسن حسنی عبدالوهاب، علامه معروف عرب، کتابی از جاحظ به نام التبصر بالتجاره در تونس یافت که دلیل توجه فراوان وی به جغرافیاست و نیز آن را نخستین کوشش مسلمانان در زمینه جغرافیای اقتصادی برشمرده‌اند. عبدالوهاب با مقایسه‌هایی پی برده که ابن‌فقیه به میزان زیادی مدیون این کتاب جاحظ است (همو، ۱۰۲). کتاب الحیوان جاحظ نیز اگرچه رنگی ادبی دارد ولی به جغرافیای حیوانی، انسان‌شناسی و نژادشناسی توجه بسیار کرده است و ابن‌فقیه در مواردی از آن اقتباس کرده است. (ابن‌فقیه، ۱۳۷۹ش، ۲۰۰، ۲۵۳).

۲۷. مقدسی، ۳۴۶.

۲۸. کراچکوفسکی، ۱۲۸.

نکوهش آن‌ها ۳. موضوع وطن دوستی.<sup>۲۹</sup>

شواهد نشان می‌دهد که ابن‌فقیه از روی آگاهی به این شیوه روی آورده‌است، چنان‌که می‌نویسد: «بنابر قول حکیمان، کسی که خواست به نویسندگی پردازد، یا به نگارش کتاب دست یازد... لازم است که آن اثر را در میان چند رساله یا شعر یا خطبه یا داستان جای دهد».<sup>۳۰</sup> بر این اساس، وی معتقد است مسائل علمی و فنی مانند جغرافیا یا هر علم دیگر را باید در لفافه‌ای از شعر و داستان بیان کرد. از این رو، ضمن نقل «اطلاعات مطمئن و معتبر»، اشعار بلند و روایات و اطلاعات گوناگونی درباره چهره‌های افسانه‌ای آورده و کتابش از نظر مباحث جغرافیای عمومی و ریاضی ضعیف است.<sup>۳۱</sup>

در مجموع می‌توان گفت که کتاب البلدان بیشتر اثری ادبی یا مخزن اطلاعات فرهنگی است، اما عنوان و ساختار رسمی آن، جغرافیایی است.<sup>۳۲</sup> همچنین این کتاب گرچه از لحاظ جغرافیایی، هم‌سنگ آثار معاصر خود نیست، اما از نظر تاریخ تمدن، ارزش بیشتری دارد؛ زیرا نمونه‌ای از تمایلات و روش‌های ادبی جامعه روشنفکر اسلامی را در اواخر قرن سوم هجری به دست می‌دهد.<sup>۳۳</sup>

علاوه بر این، نقدپذیری را نیز باید از ویژگی‌های این اثر برشمرد، چنان‌که ابن‌فقیه خود به کاستی‌های کتابش اذعان کرده: «اکنون اگر در پیوند و نگارش آن، لغزشی روی داده و چیزی نابجای آمده‌است، یا شهری و اقلیمی را در جای خویش نیاورده‌ایم، خواستاریم که هرکس در آن نگرد و آن را خواند، چون به لغزشی رسد یا از خطایی آگاه شود، بر ما ببخشد».<sup>۳۴</sup> وی همچنین بر لزوم نقد کتاب تأکید می‌کند و بر این باور است که مؤلف باید

۲۹. ابن‌فقیه، مختصر کتاب البلدان، ۳۸-۶۷.

۳۰. همان، ۳-۴.

31. Ahmad, S. M., & Taeschner, 580.

32. Khalidov, 24.

۳۳. کراچکوفسکی، ۱۲۹.

۳۴. ابن‌فقیه، مختصر کتاب البلدان، ۴.

اثرش را به دانشمندان عرضه کند و اگر پسندیدند آن اثر را به خود نسبت دهد؛ ولی اگر رد کردند، نظر آنان را قبول کند و حتی شغل دیگری جز نویسندگی برگزیند.<sup>۳۵</sup>

## ۲. منابع اطلاعاتی ابن‌فقیه

ابن‌فقیه، از نظر منابع اطلاعاتی، گاه به منابعی که از آن‌ها برای نوشتن کتاب استفاده کرده، اشاره مستقیم دارد؛<sup>۳۶</sup> از جمله مسالک و ممالک ابن‌خردادبه،<sup>۳۷</sup> جاحظ،<sup>۳۸</sup> هیشم بن عدی،<sup>۳۹</sup> ابوالمنذر هشام بن محمد بن سائب کلبی،<sup>۴۰</sup> احمد بن واضح اصفهانی مشهور به یعقوبی<sup>۴۱</sup> و بلاذری.<sup>۴۲</sup> وی همچنین، در این کتاب گزارش سفر سلیمان تاجر<sup>۴۳</sup> را به چین و هند آورده است. برخی بر این عقیده‌اند که ابن‌فقیه فهرست کامل منابع شفاهی و کتبی خود را فاش نکرده است؛ با این حال، روشن است که به شدت تحت تأثیر دو نویسنده، یعنی ابن‌خردادبه و جاحظ بوده است.<sup>۴۴</sup>

ابن‌فقیه در اثرش اشاره‌ای به استفاده از اسناد دیوانی نکرده که می‌تواند شاهدی بر عدم

۳۵. همانجا.

۳۶. ابن‌فقیه، مختصر کتاب البلدان، ۶، ۱۶، ۸۵، ۹۸، ۱۰۵، ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۴۸، ۱۷۱.

۳۷. جغرافیدان ایرانی قرن سوم هجری (د ۳۰۰ هـ) (دهخدا، ذیل واژه).

۳۸. ابوعثمان عمرو بن بحر (۱۶۰-۲۵۵ هـ) مشهور به جاحظ؛ ادیب معتزلی و نویسنده کتاب‌های بسیار در زمینه‌های گوناگون و از اهالی بصره (همو، ذیل واژه).

۳۹. ابو عبدالرحمان هیشم بن عدی طایی (۱۳۰-۲۰۹ هـ)، زبان‌شناس و محدث دوره نخست عباسی (همو، ذیل واژه).

۴۰. هشام کلبی (د ۲۰۴ هـ) مورخ مشهور عراقی (همو، ذیل واژه).

۴۱. ابن‌واضح یعقوبی (د ۲۸۴ یا ۲۹۲ هـ) مورخ و جغرافی‌دان شیعی مذهب قرن سوم هجری (همو، ذیل واژه).

۴۲. احمد بن یحیی بن جابر بلاذری، مورخ و جغرافی‌دان و نسب‌شناس قرن سوم هجری (همو، ذیل واژه).

۴۳. تاجری ایرانی که قصه‌هایش به حدود سال ۲۳۷ هـ باز می‌گردد و بارها به منظور تجارت به سوی هند و چین سفر کرد (کراچکوفسکی، ۱۱۴).

وابستگی حکومتی وی بوده باشد. درباره منابع دیداری نیز اشاره‌ای به مشهودات خود جز در همدان ندارد که بر اساس آن می‌توان گفت که وی از آن دسته مؤلفانی است که بدون سیر و سیاحت و مشاهدات عینی، به تألیف کتاب جغرافیایی دست زده‌اند،<sup>۴۵</sup> چنان‌که می‌نویسد: «من در این کتاب، تواریخ و اشعار و شواهد و امثالی را که به ذهن، اندوخته داشتم و از دانشمندان می‌شنیدم، آورده‌ام».<sup>۴۶</sup>

بدیهی است با توجه به آن‌که دانش جغرافیا از نظر معرفت‌شناسی، بیشتر از طریق مشاهده اماکن و عوارض طبیعی حاصل می‌شود، تألیفات جغرافیایی مبتنی بر منابعی غیر از این، از ارزش کم‌تری نسبت به آثاری که مؤلف در آن‌ها مشاهدات خود را نگاشته، برخوردارند.

ابن فقیه از منابع شنیداری یا مسموعات خود نیز در کتاب بهره برده است. هرچند گاهی به نام این منابع اشاره نمی‌کند، مانند: «یکی از دانشمندان مرا گفت»<sup>۴۷</sup> و گاهی هم نامش را می‌آورد: «هنگامی که با ابوعلی محمدبن هارون بن زیاد، که خود فیلسوفی دانشمند بود، درباره شبذیز سخن بگفتیم».<sup>۴۸</sup>

### ۳. مکتب و شیوه جغرافی نگاری

ابن فقیه از جغرافی نگاران مکتب عراقی است. هرچند اثر وی تنها به جغرافیای سرزمین‌های اسلامی پرداخته است، اما با توجه به این‌که کتاب اصلی وی که به دست ما نرسیده، مفصل بوده است،<sup>۴۹</sup> می‌توان احتمال داد که اثر وی علاوه بر جغرافیای سرزمین‌های اسلامی اطلاعاتی درباره سرزمین‌های غیر اسلامی نیز داشته است. شاهد این مدعا اطلاعات موجود

45. Idem, 24.

۴۶. ابن فقیه، کتاب البلدان، ۵۸.

۴۷. همو، مختصر کتاب البلدان، ۳۱.

۴۸. همانجا.

۴۹. مقدسی، ۷.

در نسخه آستان قدس درباره سرزمین‌هایی مانند چین،<sup>۵۰</sup> روم،<sup>۵۱</sup> هند،<sup>۵۲</sup> ایران، عربستان، عراق، شام، مصر، نوبه و حبشه، مغرب، اندلس و مختصری از سودان است و البته در این میان، ایران بزرگ‌ترین سهم را دارد؛ به‌عنوان مثال، ۱۶ صفحه از ۶۴۹ صفحه متن کتاب البلدان به روم و ۱۸ صفحه از آن به ارمنستان اختصاص یافته که این خود، دلیلی بر توجه ابن‌فقیه به جغرافیای ممالک غیراسلامی است.

مرکز تقسیم راه‌ها و سرزمین‌ها یا نقطه کانونی زمین از دیگر موضوعات مهم در شیوه جغرافی‌نگاری اسلامی است. ابن‌فقیه کتاب خود را مانند جغرافی‌نگاران مکتب بلخی به-جای عراق با مکه و عربستان آغاز می‌کند،<sup>۵۳</sup> هرچند عراق را هم «ناف اقلیم‌ها» و «قلب زمین و خزانه پادشاه بزرگ» می‌نامد.<sup>۵۴</sup> همچنین بخش قابل توجهی از کتابش را به فارس، خراسان و دیگر سرزمین‌های ایران اختصاص داده است.<sup>۵۵</sup>

شیوه جغرافی‌نگاری به‌معنای اسلوبی که مؤلف در چارچوب آن، به‌شرح نواحی مختلف ربع مسکون می‌پردازد، نیز از شاخص‌های تقسیم‌بندی متون جغرافیایی است. از-این نظر، ابن‌فقیه شیوه اقلیم یونانی (برش‌هایی به موازات خط استوا) را در پیش گرفته؛ اگرچه در وصف سرزمین‌های مشرق، به‌روش هفت‌اقلیم ایرانی نیز توجه داشته و ترتیب سرزمین‌ها را براساس نواحی آورده است،<sup>۵۶</sup> چنان‌که با ذکر روایتی به‌نقل از اردشیر، سرزمین پارس را جزء چهارم از بخش‌های زمین و برگزیده همه جهان می‌داند که در نسبت با

۵۰. ابن‌فقیه، کتاب البلدان، ۶۹.

۵۱. همان، ۱۸۳-۱۹۹.

۵۲. همان، ۷۰.

۵۳. همان، ۷۴.

۵۴. ابن‌فقیه، مختصر کتاب البلدان، ۲۴، ۸۴.

55. Ahmad, S. M., & Taeschner, 580.

۵۶. قره چانلو، ۲۹/۱.

سرزمین‌های دیگر مانند سر، ناف، کوهان و شکم است،<sup>۵۷</sup> موضوعی که از آشنایی وی با هفت اقلیم ایرانی حکایت می‌کند. همچنین نیاوردن نقشه که از ویژگی‌های مکتب عراقی است، در کتاب ابن‌فقیه به چشم می‌خورد.

#### ۴. نوع‌شناسی جغرافی‌نگاری

چگونگی بازتاب مباحث انواع و اقسام جغرافیا، مانند جغرافیای اقتصادی، انسانی و مذهبی نیز در کتاب البلدان درخور توجه است.

#### ۴. ۱. جغرافیای اقتصادی

جغرافیای اقتصادی درباره تولید، پخش و مصرف فرآورده‌های گوناگون کشاورزی و دامی بحث می‌کند.<sup>۵۸</sup> در متون کهن جغرافیایی، می‌توان مطالب مربوط به صنایع اولیه و دستی را نیز به این حوزه افزود. همچنین اشاره به «مسالک» یا راه‌ها که مسیرهای کاروان رو یا تجاری آن اعصار است و «خراج» که مربوط به سرزمین‌های اسلامی است، در همین مقوله می‌گنجد.

ابن‌فقیه برای جغرافیای اقتصادی سرزمین‌های اسلامی و غیراسلامی، اهمیت زیادی قائل است و خراج برخی سرزمین‌ها را همراه با تاریخچه آن می‌آورد: «عمرولیت به روزگار خویش، از فارس ۳۱ هزارهزار درهم خراج می‌ستاند، و از کشتزارهای فارس ۱۹ هزارهزار درهم. و بدین‌گونه، خراج آن‌ها ۵۰ هزارهزار درهم می‌شد و هر سال از این مقدار ۱۵ هزاردرهم - یا دینار - برای سلطان می‌فرستاد».<sup>۵۹</sup> درباره اوضاع پولی قرطبه در اندلس می‌نویسد: «دارالضرب قرطبه در جایی به نام باب العطارین واقع است. درهم‌های ایشان

۵۷. ابن‌فقیه، مختصر کتاب البلدان، ۱۰-۱۱.

۵۸. قره چانلو، ۶/۱.

۵۹. ابن‌فقیه، مختصر کتاب البلدان، ۱۷.

مسکوک نیست و در معاملات از پولی به نام "فلوس" استفاده می‌کنند. هر ۶۰ فلوس برابر یک درهم است و درهم‌های ایشان "طبلیا" خوانده می‌شود.<sup>۶۰</sup>

شرح محصولات تجاری شهرها نیز بخشی از کار ابن‌فقیه است؛ به‌عنوان مثال درباره محصولات همدان و ری می‌نویسد: «مردمان همدان راست به‌ویژه مهارت در ساختن اقسام آینه و کفچه‌خوان و بخوردان و طبل‌های مُدَّهَب<sup>۶۱</sup> که در ساختن آن، بر همه مردم زمین سَرنند. و مردم ری راست سینی‌های رنگ روغنی و حریر و ابزار بسیاری که از چوب سازند، چونان اقسام شانه و نمکدان و کفچلیز<sup>۶۲</sup>». <sup>۶۳</sup> ابن‌فقیه از محصولات تجاری فارس<sup>۶۴</sup> یا معادن کرمان<sup>۶۵</sup> نیز سخن گفته‌است.

همچنین به‌احتمال زیاد، قدیم‌ترین منبعی که در آن، به‌وجود معدن مومیا در ایران اشاره شده، کتاب البلدان است. در این کتاب، از وجود یک معدن مومیایی در غاری در ارجان<sup>۶۶</sup> خبر داده شده‌است. از این غار، به‌علت تعلق آن به سلطان به‌شدت محافظت می‌شد و در دهانه آن، دری آهنی نصب شده‌بود که سالی یک‌بار، آن هم با حضور بزرگان شهر، باز و پس از جمع‌آوری مومیایی، دوباره قفل می‌شد.<sup>۶۷</sup>

مناسبات بازرگانی برخی شهرها نیز در کتاب البلدان آمده است؛ چنان‌که ری در قرن سوم هجری به «عروس جهان» ملقب بود و شاهراه دنیا و میانجی خراسان، گرگان، عراق و طبرستان به‌حساب می‌آمد و با سرزمین‌های ارمنستان، آذربایجان، خراسان و خزر روابط

۶۰. همو، کتاب البلدان، ۱۳۸.

۶۱. طلاکاری شده (دهخدا، ذیل واژه).

۶۲. چمچه بزرگ سوراخ دار را گویند و آن را کفگیر نیز خوانند (همو، ذیل واژه).

۶۳. ابن‌فقیه، مختصر کتاب البلدان، ۸۶.

۶۴. همان، ۱۸.

۶۵. همان، ۲۰.

۶۶. بهبهان کنونی.

۶۷. ابن‌فقیه، مختصر کتاب البلدان، ۱۳.

تجاری داشت.<sup>۶۸</sup>

ابن فقیه همچنین به موضوع تجربه ناموفق مسلمین در ایجاد صنعت کاغذسازی در زمان معتصم اشاره کرده که نشانه تلاش آنان برای اقتباس برخی فنون جدید است. نتیجه این تلاش با شکست مواجه می‌شود؛ زیرا حاصل آن کاغذهای خشکی است که به علت آب-وهوای سامرا زود خرد می‌شد.<sup>۶۹</sup>

داده‌های اقتصادی ابن فقیه گاهی با تشکیک محققان روبه‌رو شده‌است. از جمله، مجموع خراج کل خراسان را با سرزمین‌هایی که تحت تسلط عبدالله بن طاهر بوده، مبلغ ۴۴۰ میلیون و ۸۴۷ هزار درهم نوشته،<sup>۷۰</sup> در حالی که این مبلغ از مجموع عایدات دولت عباسی هم بیشتر بوده‌است.<sup>۷۱</sup>

ابن فقیه به جغرافیای اقتصادی ممالک غیراسلامی نیز بی‌توجه نیست، چنان‌که محصولات تجاری هند و سند، چین، روم و نوبه را در کتابش ذکر کرده‌است؛<sup>۷۲</sup> به عنوان مثال درباره چین می‌نویسد: «[خداوند] مردم چین را اهل صنعت کرد و کالاهایی ویژه به آنان داد چون حریر و ظروف چینی و انواع زین و دیگر ابزارهای استوار شگفت‌ساخته نیک-پرداخته. چینیان مُشک نیز دارند، لیکن خوب نیست. گویند هنگام آوردن از راه دریا، به خاطر دوری راه، فاسد شود».<sup>۷۳</sup> یا خط سیر بازرگانان یهودی در قرن سوم هجری «از راه دریا، از مشرق به مغرب و از مغرب به مشرق، سفر کنند و دیبا و خز<sup>۷۴</sup> خوب از فرنگ به

۶۸. ابن فقیه، مختصر کتاب البلدان، ۱۰۷.

۶۹. همان، ۸۵.

۷۰. همو، کتاب البلدان، ۶۳۲.

۷۱. حبیبی، ۴۴۵.

۷۲. ابن فقیه، مختصر کتاب البلدان، ۸۳.

۷۳. همانجا.

۷۴. پارچه ابریشمین (دهخدا، ذیل واژه).

فَرَمَا<sup>۷۵</sup> آرند و از قُلْزُم<sup>۷۶</sup> به دریا شوند. بدین‌گونه این کالاها را به چین ببرند و دارچینی<sup>۷۷</sup> و مامیران<sup>۷۸</sup> و همه کالاهای چین را تا به قلزم آورند<sup>۷۹</sup>. به احتمال زیاد، وی این مطلب را از ابن خرداذبه اقتباس کرده است.<sup>۸۰</sup>

#### ۲. ۴. جغرافیای مذهبی

جغرافیای مذهبی به پراکندگی پیروان ادیان و مذاهب و فرقه‌ها در سرزمین‌های مختلف می‌پردازد. در کتاب البلدان، از توجه به این‌گونه جغرافیایی در عالم اسلام چندان خبری نیست، ولی اشاراتی به جغرافیای مذهبی برخی سرزمین‌های غیراسلامی دیده می‌شود. از جمله درباره مردم خزر که «همه یهودند و به تازگی یهودی شده‌اند».<sup>۸۱</sup> یا «بیشتر ترکان، آیین زندیقان دارند».<sup>۸۲</sup> همچنین توضیحاتی درباره آتشکده‌های مهم زرتشتیان<sup>۸۳</sup> و نیز بت‌پرستی مردم چین<sup>۸۴</sup> و اهالی نوشجان اعلی در سرزمین تُغزغُز آمده است که مجوسانی آتش پرست-اند و در میان آن‌ها زندیقانی وجود دارند.<sup>۸۵</sup> البته مراد ابن‌فقیه از «زنادقه» پیروان مانی است.<sup>۸۶</sup>

۷۵. شهری ساحلی در مصر (دهخدا، ذیل واژه).

۷۶. نام شهری ساحلی در مصر و نیز نام دریای سرخ (دهخدا، ذیل واژه).

۷۷. همان دارچین.

۷۸. نوعی گیاه دارویی مانند زردچوبه (دهخدا، ذیل واژه).

۷۹. ابن‌فقیه، مختصر کتاب البلدان، ۱۰۷.

۸۰. ابن خرداذبه، ۱۴۵.

۸۱. ابن‌فقیه، مختصر کتاب البلدان، ۱۴۱.

۸۲. همان، ۱۷۹.

۸۳. همان، ۷۶-۷۵.

۸۴. همو، کتاب البلدان، ۷۱.

۸۵. همان، ۶۳۵.

۸۶. همانجا.

#### ۳.۴. جغرافیای انسانی

بررسی پراکندگی جوامع انسانی با توجه به شرایط جغرافیایی محیط زیست آن‌ها جغرافیای انسانی یا اجتماعی نامیده می‌شود.<sup>۸۷</sup> این تعریف در متون جغرافیایی کهن چندان قابل پایش نیست، ولی می‌توان موضوعاتی از جمله نژاد، خوراک، پوشاک، آداب و رسوم، خلیقیات و غیره را به این حوزه از جغرافیا نسبت داد. این‌گونه از جغرافیا، مورد توجه ابن‌فقیه است، مثلاً رد این باور را که مردم خراسان «بخیل» اند،<sup>۸۸</sup> یا رسم نگهداری خارپشت را در خانه‌های مردم سیستان به علت وجود افعی بسیار در آن منطقه می‌توان ذیل جغرافیای انسانی گنجانند.<sup>۸۹</sup>

اشاره به آیین‌های عامیانه نیز در کتاب البلدان دیده می‌شود؛ از جمله آیینی که در یکی از روستاهای اصفهان، برای جلوگیری از سرمازدگی محصولات کشاورزی برگزار می‌شد: «در اصفهان، دهکده‌ای است به نام انبارچی، مردم آن، مهره‌ای دارند زمردفام و در آن رگه‌هایی است به رنگ سفید و زرد. مردم پندارند که آن طلسم سرماست. بدین‌گونه، هرگاه در بهاران از آسیب رساندن سرما به کشت و میوه‌شان بهراسند، آن مهره را بیرون کنند و روی چوب نیزه‌ای نهند و در روزی معین از سال، در جایی معین که عیدگاه ایشان است، نصب کنند. آن‌گاه از درون آن، بانگی چون بانگ زنبور عسل شنیده شود. گویند بدین‌گونه، سرما به دشت بیاید، لیکن به دشت‌های آباد زیان نرساند و چیزی از میان نبرد».<sup>۹۰</sup> یا اشاره به برگزاری جشن سده در همدان.<sup>۹۱</sup> بر این اساس می‌توان گفت از نظر نوع‌شناسی جغرافی‌نگاری، کتاب کتاب البلدان به جغرافیای اقتصادی و انسانی نزدیک‌تر است.

۸۷. قره چانلو، ۶/۱.

۸۸. ابن‌فقیه، مختصر کتاب البلدان، ۱۶۴.

۸۹. همان، ۲۲.

۹۰. همان، ۱۰۲-۱۰۳.

۹۱. همان، ۵۶-۵۷.

## ۵. عجایب‌نگاری

آن‌چه در متون جغرافیایی به عجایب و غرایب مشهور است، مجموعه‌ای از داده‌ها و گزارش‌هایی است از شگفتی‌های عالم تصورات و باورهای مردم روزگاران پیشین که از دوحال خارج نیست: یا توصیف چیزی است که ریشه در واقعیت دارد، یا در عالم واقع، وجود ندارد؛ اما راویان آن‌ها با به‌کارگیری ظرافت‌های ادبی مانند تخیل<sup>۹۲</sup>، اغراق<sup>۹۳</sup> و نمایی<sup>۹۴</sup> به توصیف آن‌ها می‌پردازند و خواننده را مجذوب خود می‌کنند.<sup>۹۵</sup>

ابن‌فقیه نیز از آن دسته جغرافی‌نگارانی است که توجه فراوانی به عجایب‌نگاری و مطالب خرافی نشان داده‌است و می‌توان از آن به دوری از خردگرایی تعبیر کرد. مثلاً درباره خصوصیات شهر خبیص<sup>۹۶</sup> کرمان می‌نویسد: «هرگز درون آن، باران نباریده‌است. همواره بیرون شهر باران بارد، لیکن در شهر نبارد! تا آن‌جا که کس دست خود از باروی شهر بیرون کند و از باران، تر شود، درحالی‌که در شهر، قطره‌ای نباریده باشد».<sup>۹۷</sup> یا پرنده‌ای به نام «سمندل» یا «سمندر» که به درون آتش می‌رود، ولی پر و بالش نمی‌سوزد.<sup>۹۸</sup> نیز آتشی در چاهی در کوه‌های خراسان فروزان است که در آن «گونه‌ای موش دشتی» زندگی می‌کند که «تا انسانی بیند، در درون آتش شود بی‌آن‌که بسوزد».<sup>۹۹</sup> یا «از خراسان، برای متوکل روباهی آوردند که دو بال داشت و می‌پرید».<sup>۱۰۰</sup>

ابن‌فقیه همچنین از طلسماتی سخن می‌گوید که بلیناس رومی به دستور قباد ساخته

---

92. Imitation.

93. Exaggeration.

94. Verisimilitude

۹۵. اشکواری، ۷۶.

۹۶. شهداد کنونی در کرمان.

۹۷. ابن‌فقیه، مختصر کتاب البلدان، ۲۱.

۹۸. همانجا.

۹۹. همان، ۲۲.

۱۰۰. همان، ۱۶۰.

بود؛ از جمله طلسمی که باد را مهار می‌کرد یا عقرب و درنده و کک و بیماری تب را کم یا حتی مردمان را متحد می‌کرد.<sup>۱۰۱</sup> نیز مورچگانی «میان خراسان و سرزمین هند» وجود داشتند که مانند سگ‌های شکاری بودند و گوشت می‌خوردند.<sup>۱۰۲</sup>

درج چنین مطالبی موجب شده که در قرن‌های بعد، جغرافی‌دانان خردگرایی مانند یاقوت حموی، با ذکر ماجرای خبیص، مسؤلیت صحت این مطالب را کاملاً بر دوش ابن فقیه بگذارند.<sup>۱۰۳</sup> یاقوت درباره کلیسایی در روم می‌نویسد: «آن چه درباره این کلیسا آورده‌ام، همه را از کتاب محمدبن احمد همدانی معروف به ابن فقیه گرفته‌ام و هیچ چیز دشوارتر از باورکردن چنین صفات برای یک شهر نباشد که چنین بزرگ باشد و این که روستاهای آن چندماه راه مساحت داشته باشد».<sup>۱۰۴</sup> درمقابل، زکریای قزوینی که خود علاقه‌مند به عجایب‌نگاری بوده، ماجرای خبیص را از ابن فقیه نقل می‌کند، بدون این که در صحت آن، ابراز تردید کند.<sup>۱۰۵</sup>

می‌توان گفت بعد از ابن خردادبه (د ۳۰۰هـ) و ابن رسته (د ۲۹۰هـ) که در سطحی محدود و پراکنده، به عجایب‌نگاری به‌عنوان یکی از گونه‌های جغرافی‌نگاری وصفی در جهان اسلام توجه کردند، ابن فقیه برای نخستین بار در سطحی وسیع و نظام‌مند به این مقوله پرداخت.<sup>۱۰۶</sup> وی از یک طرف، سنت نگارش عجایب سرزمین‌های مختلف را تداوم بخشید و از سوی دیگر، با تکیه بر منابع سلف و جمع‌آوری داده‌ها در این زمینه از مناطق مختلف، به‌ویژه ایران بر رونق عجایب‌نگاری افزود. بنابراین، می‌توان کتاب البلدان را پیش‌درآمدی بر

۱۰۱. ابن فقیه، مختصر کتاب البلدان، ۲۷.

۱۰۲. همان، ۱۷۴.

۱۰۳. یاقوت حموی، ۲۶۹/۲.

۱۰۴. همو، ۵۸۵/۲.

۱۰۵. قزوینی، ۲۴۳.

عجایب‌نگاری‌های قرون بعد دانست.<sup>۱۰۷</sup> اما این‌که گفته شده مراد جغرافیدانانی نظیر ابن‌خرداذبه، ابن‌رسته و ابن‌فقیه از عجایب‌نگاری، توجه دادن خواننده به قدرت و عظمت خداوند بوده و این کار به نوعی ماهیت دینی دارد،<sup>۱۰۸</sup> واجد دو اشکال است:

۱. عجایب‌نگاری در آثار اغلب جغرافی‌دانان مکتب عراقی مانند سه مؤلف یادشده که به آوردن موضوعات غیردینی و نیز پرداختن به جغرافیای همه سرزمین‌ها از جمله ممالک غیراسلامی اشتهار دارند، وجود دارد، اما در آثار جغرافی‌دانان مکتب بلخی که به داشتن نگرش دینی به جغرافیا مشهورند، مانند اصطخری و ابن‌حوقل اثری از عجایب‌نگاری دیده نمی‌شود؛ ضمن آن‌که مقدسی نیز تا حدود زیادی به این حیطة وارد نشده است. بنابراین، اگر این گزاره را بپذیریم که مقصود از عجایب‌نگاری، توجه دادن مخاطب به قدرت خداوند بوده، قاعدتا باید این موضوع در آثار جغرافی‌دانان مکتب بلخی دیده می‌شد، نه عراقی.

۲. بسیار دور از ذهن می‌نماید که جغرافی‌نگاران یادشده را در سطحی از دانش و فهم بدانیم که پدیده‌های خرافی و افسانه‌ای را ناشی از قدرت خداوند قلمداد کرده باشند. درواقع نسبت دادن این موضوع به آنان، نوعی سطحی‌انگاری است و شواهدی که از ابن‌فقیه در این باره نقل شده، به اندازه کافی گویاست. مثلاً آیا باید پذیرفت که وی به‌عنوان یک جغرافی‌دان به وجود «روباه بالدار» باور دارد و آن را ناشی از قدرت خداوند می‌داند؟!

به نظر می‌رسد علت وجود عجایب‌نگاری در آثار مکتب عراقی به‌ویژه در کتاب البلدان را باید چنین تحلیل کرد که ابن‌فقیه فردی ادیب بود و کتاب وی نیز کتاب جغرافیایی صرف نیست، بلکه آمیزه‌ای از روایات، اشعار و مطالب سرگرم‌کننده است و از آنجاکه عجایب‌نگاری نیز در زمره این دسته مطالب قرار می‌گرفت و موجب جلب توجه خوانندگان می‌شده، وی توجه فراوانی بدان نشان داده است.

۱۰۷. اشکواری، ۷۵.

۱۰۸. همو، ۷۶.

## ۶. هویت گرایی

از نظر نگرش هویت‌گرایانه یا توجه به ایران و فرهنگ ایرانی نیز چنان‌که گفته شد، ابن‌فقیه ایرانی است و دلبستگی وی به پیشینه کهن ایران در کتابش به چشم می‌خورد، چنان‌که به هر مناسبتی، گریزی به آن دوره می‌زند و ضمن آوردن شعر یا حکایتی درباره آن زمان، از دادگری و صفات نیک شاهان ایرانی سخن می‌گوید؛ به‌عنوان مثال درباره فارس می‌نویسد: «فارس را به نام فارس‌بن طهمورث نام کرده‌اند، و پارسیان بدو منسوب‌اند. چه ایشان از فرزندان اویند. وی پادشاهی دادگر و مردم‌دوست بود و نگهبان مردم خویش».<sup>۱۰۹</sup> یا در ستایش ایوان مداین می‌گوید: «درجهان، هیچ بنای آجرینی، از ایوان کسری، شکوه‌مندتر نیست». آن‌گاه اشعاری را در مدح این بنا نقل می‌کند.<sup>۱۱۰</sup> یا در اشاره به شهر قرنین در سیستان می‌نویسد: «در این شهر، نشان آخور اسب رستم هست... و این کشور رستم پهلوان است که کیکاووس شاهی آن سامان بدو داد».<sup>۱۱۱</sup>

از جمله موارد حائز اهمیت از نظر تاریخی و باستان‌شناسی در کتاب البلدان، اشارات ابن‌فقیه به آثار تاریخی و باستانی شهرهاست؛ از آن جمله کنده‌کاری شب‌دیز در کرمانشاه<sup>۱۱۲</sup> یا شیر سنگی<sup>۱۱۳</sup> و کتیبه‌های همدان<sup>۱۱۴</sup> که امروزه «گنجنامه» نامیده می‌شود.

برخی از آثار مندرج در کتاب البلدان، دست‌مایه پژوهش‌های تاریخی و باستان‌شناختی ارزشمندی در رمزگشایی از بعضی مفاهیم تاریخی و فرهنگی ایران شده‌است. از جمله، مناره بزرگ سُم‌نشان یا «ذات الحوافر» که در یکی از روستاهای همدان به نام

۱۰۹. ابن‌فقیه، مختصر کتاب البلدان، ۸.

۱۱۰. همان، ۲۷-۲۸.

۱۱۱. همان، ۲۲.

۱۱۲. همان، ۳۰.

۱۱۳. همان، ۶۷.

۱۱۴. همان، ۷۲.

«وَنَجْر»<sup>۱۱۵</sup> واقع شده و نمای خارجی آن را از سُم‌های گورخران و میخ‌های آهنین ساخته بودند.<sup>۱۱۶</sup> اشاره ابن‌فقیه به این مکان موجب شد که دکتر شفیع کدکنی در پژوهشی ضمن بهره‌گیری از این مطالب، از این بیت شاهنامه که از زبان رستم بعد از کشته شدن سهراب بیان می‌شود، رمزگشایی کند:

«یکی دخمه کردش ز سُم ستور جهانی به زاری همی گشت کور»

و نتیجه بگیرد که کتاب البلدان «سرشار از اطلاعات بی‌نظیر در حوزه تاریخ، فرهنگ و جغرافیای ایران بزرگ» است.<sup>۱۱۷</sup>

یا در پژوهشی بر روی متنی که ابن‌فقیه مدعی است ترجمه کتیبه‌های «گنجنامه» همدان است،<sup>۱۱۸</sup> مشخص شده که این ترجمه، در واقع حاوی متن سنگ‌نوشته داریوش بزرگ در بیستون و نیز آرامگاه او در نقش رستم فارس است و ارتباطی با متن کتیبه‌های داریوش و خشایارشا در گنجنامه ندارد.<sup>۱۱۹</sup>

ابن‌فقیه همچنین با آوردن احادیثی منتسب به پیامبر اسلام (ص) در ستایش ایرانیان که با اندیشه مساوات‌گرایانه آن حضرت و تعلیمات عدالت محور اسلام مغایر است و نیز حکایاتی از شاهان ساسانی تلاش دارد قوم پارس را برتر از اقوام دیگر معرفی کند: «خسرو انوشیروان چنان بود که به‌هنگام روزیانه دادن، یک سرباز پارسی را بر دو سرباز دیلمی و پنج

---

۱۱۵. امروزه روستایی به این نام در اطراف همدان وجود ندارد؛ ولی در بخش اسدآباد همدان، دهی به نام «وَنَدْرآباد» است که شاید همان «وَنَجْر» باشد (فرهنگ جغرافیایی ایران: ۴۷۱/۵) و نیز (دهخدا: ذیل واژه وندرآباد).

۱۱۶. ابن‌فقیه، مختصر کتاب البلدان، ۷۷.

۱۱۷. شفیع کدکنی، ۲۵؛ ساختن بناهایی از سُم ستوران آیینی قدیمی و مربوط به عصر شکار بوده و برای هر قهرمان دلیر به‌نشانه چیرگی او برپا می‌شده است. برای مطالعه بیشتر در این زمینه نک. شفیع کدکنی، «نقد ادبی: یکی دخمه کردش ز سُم ستور»، کلک، آبان و آذر و دی ۱۳۷۴، شماره ۶۸، ۶۹ و ۷۰.

۱۱۸. ابن‌فقیه، مختصر کتاب البلدان، ۷۲-۷۳.

۱۱۹. برای مطالعه بیشتر در این زمینه نک. جلیلیان، شهرام، «پژواکی از سنگ‌نوشته‌های داریوش بزرگ در "اخبار کتاب البلدان" ابن‌فقیه همدانی»، دوفصلنامه پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، بهار و تابستان ۱۳۹۵، شماره ۱۸.

سرباز ترک و ده سرباز رومی و پانزده سرباز عرب و سی سرباز هندی، مقدم می‌داشت؛ زیرا که سربازان پارسی از همه دلاورتر و بزرگ منش‌تر بودند، کشوری پهناورتر داشتند و در توانایی سخت‌تر و در اندیشه فراتر و در تدبیر از همگان نیکوتر بودند. چهره‌هاشان از همه خندان‌تر و پاسخ‌هاشان درست‌تر و زبانشان بازتر و فصیح‌تر بود.<sup>۱۲۰</sup> یا با ذکر روایتی به نقل از اردشیر به تمجید از سرزمین پارس و برتری نژاد پارسیان بر دیگر نژادها می‌پردازد<sup>۱۲۱</sup> و در این باره می‌نویسد: «کشور مردم فارس در روزگاران گذشته از همه ممالک بزرگ‌تر بود و خواسته‌ای فزون‌تر داشتند و ساز نبردشان بیشتر بود. و عرب خود، آنان را آزادگان می‌خواندند. چه پارسیان دشنام می‌دادند، لیکن کس دشنامشان نمی‌داد، خدمتگار می‌گرفتند و خود خدمتگار کسی نمی‌شدند. تا آن‌گاه که خداوند، اسلام را آشکار کرد. بدین‌گونه آن شکوه دیرین، چونان آتشی شد که به خاموشی گراید و خاکستری که بر باد رود. این شد که آنان پراکنده شدند و دیگر در دوران اسلام از آنان، بزرگواری نام‌آور نماند.»<sup>۱۲۲</sup> تمجید ابن‌فقیه از خاندان ایرانی برامکه و بخشندگی آنان نیز در همین زمینه درخور توجه است.<sup>۱۲۳</sup>

## ۷. تأثیر بر منابع پسین

اغلب جغرافی‌نگاران در قرن‌های بعد به اصل کتاب البلدان استناد کرده‌اند؛ به‌عنوان مثال، مقدسی در قرن چهارم با آن‌که روی خوشی به کتاب ابن‌فقیه نشان نمی‌دهد، استناداتی بدان دارد.<sup>۱۲۴</sup>

۱۲۰. ابن‌فقیه، مختصر کتاب البلدان، ۱۰-۱۲.

۱۲۱. همان، ۱۰-۱۱.

۱۲۲. همان، ۱۶۵.

۱۲۳. همان، ۱۶۴.

۱۲۴. مقدسی، ۷، ۲۱، ۱۰۱، ۳۰۱.

یا زهری جغرافی‌نگار اندلسی در نیمه اول قرن ششم هجری از او نقل کرده‌است.<sup>۱۲۵</sup> همچنین یاقوت حموی (د ۶۲۶هـ) به نسخه کامل کتاب البلدان دسترسی داشته و در اثرش معجم البلدان حدود ۱۰۰ بار از این کتاب نقل کرده‌است،<sup>۱۲۶</sup> از جمله ذیل مدخل‌های نهاوند<sup>۱۲۷</sup>، حیره<sup>۱۲۸</sup>، آمد<sup>۱۲۹</sup> و جاهای دیگر.<sup>۱۳۰</sup> یاقوت حموی گاه حتی مسافت‌های بین شهرها را به نقل از ابن‌فقیه آورده‌است: «احمد پسر محمد همدانی گوید: از ارجان تا نوبندگان، بیست‌وشش فرسنگ راه است و دره بوان [...] میان آن دو جا دارد».<sup>۱۳۱</sup>

زکریای قزوینی نیز در قرن هفتم، بسیار به کتاب البلدان استناد می‌کند.<sup>۱۳۲</sup> به‌عنوان مثال، درباره جزیره‌ای به نام «زائج» می‌نویسد: «ابن‌فقیه گوید که در این جزیره، جمعی هستند به صورت انسان ولیکن به درندگان شبیه‌ترند و به کلامی تکلم کنند که مفهوم نشود و از درختی به درختی برجهند. باز ابن‌فقیه گوید که نوعی از گربه در آن جزیره به‌هم‌رسد که چون خفاش‌ها، صاحب پر می‌باشند که از گوش تا دم آن‌ها کشیده شده‌است».<sup>۱۳۳</sup> این کار یاقوت و دیگر جغرافی‌نگاران را می‌توان نشانه اعتبار جغرافی‌نگاری ابن‌فقیه دانست و ادعا کرد که نسخه کامل کتاب البلدان جزو منابع معتبر جغرافیایی قرن سوم هجری بوده‌است.

---

۱۲۵. زهری، ۱۶، ۱۸، ۱۴۰.

۱۲۶. یاقوت حموی، ۵/۱.

۱۲۷. همو، ۲۴۵/۱.

۱۲۸. همو، ۲۵۴/۲.

۱۲۹. همو، ۶۱/۱.

۱۳۰. همو، ۸۵/۱، ۱۶۶، ۱۷۷.

۱۳۱. همو، ۶۴۷/۱.

۱۳۲. قزوینی، ۵۴، ۶۹، ۸۰، ۹۰، ۱۲۸، ۱۷۴، ۱۵۴.

۱۳۳. همو، ۶۹.

### نتیجه

ابن فقیه همدانی، نویسنده‌ای ایرانی است که در اواخر قرن سوم هجری کتابی جغرافیایی به نام کتاب البلدان نوشت و در آن، برخی مباحث جغرافیایی را در کنار مطالب مختلف غیرجغرافیایی مطرح کرد. اصل کتابش که بسیار مفصل بوده، در دست نیست؛ ولی مختصری از آن که حدود یک قرن بعد از نگارش، تدوین شده موجود است.

نظر به درج مطالب بسیاری از جغرافیای سرزمین‌های غیراسلامی مانند روم، چین و هند در این کتاب می‌توان نویسنده آن را پیرو مکتب عراقی برشمرد. همچنین کتاب با شرح مکه آغاز شده است نه بغداد به‌عنوان مرکز خلافت. ابن فقیه از نظر شیوه جغرافی‌نگاری به هر دو نظام یونانی و ایرانی توجه داشته، ولی بیشتر متکی بر بیان مناطق به‌صورت نواحی بوده است.

از نظر نوع‌شناسی نیز کتاب البلدان به‌علت توجه فراوان به اوضاع اقتصادی ممالک اسلامی و غیراسلامی اعم از راه‌های تجاری، رقم خراج برخی سرزمین‌ها، پول، صنایع دستی و محصولات بازرگانی و معدنی شهرها و سرزمین‌ها، مناسبات تجاری بین شهرهای مختلف، برخی تلاش‌های مسلمین برای اقتباس فنون جدید مانند کاغذسازی به جغرافیای اقتصادی نزدیک است. همچنین این کتاب به خلیقات، آداب و رسوم و جشن‌ها و نیز آثار تاریخی و باستانی شهرها و سرزمین‌های مختلف پرداخته که مسائل حوزه جغرافیای انسانی را در برمی‌گیرد. بنابراین می‌توان گفت کتاب البلدان به جغرافیای اقتصادی و انسانی نزدیک‌تر است.

علاقه فراوان ابن فقیه به عجایب‌نگاری در کتابش کاملاً مشهود است، بدون این‌که ابراز تردیدی در واقعی بودن یا نبودن آن‌ها صورت گیرد. این امر را با توجه به ماهیت کتاب که جغرافیایی صرف نبوده و حاوی مطالب سرگرم‌کننده برای جذب مخاطب آن اعصار است، می‌توان توجیه کرد.

توجه بارز ابن فقیه به ایران و مظاهر فرهنگی آن را هم می‌توان برخاسته از نگرش

هویت‌گرایانه میهنی وی دانست که در برخی موارد، موجب گره‌گشایی از بعضی موضوعات و مفاهیم تاریخی و فرهنگی این سرزمین شده‌است. وی همچنین مؤلفی نقدپذیر به شمار می‌آید که با توجه به مقتضیات آن عصر، ویژگی بسیار مهمی است. از نظر منابع اطلاعاتی، ابن‌فقیه از جمله جغرافی‌نگاران است که چندان سفر نکرده و از مشهودات یا به اصطلاح امروز تحقیقات میدانی بهره زیادی نبرده‌است، از این رو اغلب بر منابع مکتوب و شنیداری تکیه دارد.

مکتب عراقی، توصیف سرزمین‌های اسلامی و غیراسلامی، آغاز کتاب با شرح مکه، بیشش جهانی و ایران‌شهری	مکتب جغرافیایی
نگارش کتاب بر مبنای نواحی در عین توجه به شیوه اقلیم‌های یونانی و ایرانی	شیوه جغرافی‌نگاری
تمرکز بر جغرافیای اقتصادی و انسانی	نوع‌شناسی جغرافی‌نگاری
توجه فراوان به عجایب‌نگاری و دوری از خردگرایی، تأکید بر هویت میهنی و عناصر فرهنگی ایران، تکیه بر منابع مکتوب و شنیداری به جای مشهودات و سفرهای میدانی	ویژگی‌های جغرافی‌نگاری

جدول ۱. تحلیل جغرافی‌نگاری ابن‌فقیه

## کتابشناسی

ابن‌خردادبه، مسالک و ممالک، ترجمه سعید خاکرند، تهران، موسسه مطالعات و انتشارات تاریخی، ۱۳۷۱ ش.

ابن‌ندیم، الفهرست، ترجمه محمدرضا تجدد، تهران، اساطیر، ۱۳۸۱ ش.

ابن‌فقیه، مختصر کتاب البلدان: بخش مربوط به ایران، ترجمه محمدرضا حکیمی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۷۹ ش.

همو، کتاب البلدان، به کوشش یوسف هادی، بیروت، عالم‌الکتب، ۱۴۱۶ هـ.

اذکایی، پرویز، تاریخ نگاران ایران، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۳ ش.

اشکواری، محمدجعفر، «عجایب‌نگاری ابن‌فقیه در کتاب البلدان»، فصلنامه تاریخ اسلام، زمستان

۱۳۹۲ دوره ۱۴، شماره ۴ (مسلسل ۵۶).

- جلیلیان، شهرام، «پژواکی از سنگ‌نوشته‌های داریوش بزرگ در "اخبار کتاب البلدان" ابن‌فقیه همدانی»، دو فصلنامه پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، بهار و تابستان ۱۳۹۵، شماره ۱۸.
- حیبی، عبدالحی، تاریخ افغانستان بعد از اسلام، تهران، افسون، ۱۳۸۰ ش.
- رضا، عنایت‌الله، «ابن‌فقیه، ابوبکر»، دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۷ ش.
- زهری، ابو عبدالله محمد بن ابی‌بکر، الجغرافیه، ترجمه دکتر حسین قره‌چانلو، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲ ش.
- دهخدا، علی‌اکبر، لغتنامه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۱ ش.
- سارتون، جرج، مقدمه بر تاریخ علم، مترجم غلامحسین صدری افشار، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳ ش.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا، «نقد ادبی: یکی دخمه کردش ز سم ستور»، مجله کلک، آبان، آذر و دی ۱۳۷۴، شماره ۶۸، ۶۹ و ۷۰.
- قره‌چانلو، حسین، جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی، تهران، سمت، ۱۳۸۰ ش.
- قزوینی، زکریا بن محمد، آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه میرزا جهانگیر قاجار، تصحیح میرهاشم محدث، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۳ ش.
- قزوینی، محمد، یادداشتهای قزوینی، به کوشش ایرج افشار، تهران، علمی، ۱۳۶۳ ش.
- کراچکوفسکی، ایگناتی، تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۹ ش.
- مقدسی، محمد بن احمد، احسن التقاسیم فی معرفه الأقالیم، ترجمه علینقی منزوی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان، ۱۳۶۱ ش.
- یاقوت حموی، معجم البلدان، ترجمه علینقی منزوی، تهران، پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۸۰ ش.

Ahmad, S. M., & Taeschner, Fr. Djughrafiya. "Djughrafiya" *The encyclopaedia of Islam*, New Edition, Leiden: E. J. Brill, 1991.

Khalidov, Anas B, "Ibn AL-Faqih Abu bakr Ahmad", *Iranica*, 1997.